

دشنام ماه مه

محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

آن می تواند

تکرار یک ملال همیشه:

یک درد باشد

(- و یا حتی -)

ترانه پی ولگرد باشد.)

اما

من واژه های ماه مه ام را

در لابلای آن

(یا

ترکیب چندپاره

از یک هجای آن)

خواهم جست

و کاملاً

در روغن و زغال و زباله

بنزین و دود و دوه و گازوئیل

خواهم شست

آن وقت:

خواهم آمد و در خواهم زد

(نه با زبان خوش

با بیل و با کلنگ و تبر
خواهم زد)
و شعر
- شعر خیس خودم را -
پرتاب خواهم نمود
بر روی و موی و پیرهن و کت
یا پشم و ریش و کفش و عبا و قبایطان
(یعنی:
در هر قیافه یی که شما باشید
بر
سر
تا به پایتان)

*

آن می تواند
باشد (ویا نباشد حتی)
یک درد
یا که:
ترانه یی ولگردد.

اما
شعر و شعار من
(بهتر بگویم:
تکنیک کار من)
بی بیم شکل، فرم، و یا تصویر
(حتی)

ترتیب، تربیت، ادبِ تعبیر
بی اختیار
(بیرونِ هر مدار)
تغییر میکنند در آن، هر سال
این ماه، بارها
تا جاشود برای شما باز
ای

بیرونِ هرچه - هرچه که تعریف است -
در نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل
(ای)
عجوبه های در هم و هردمبیل)
دزدان ارث گرگ:
کفتارها!

ای مبتذل ترین
مضحک ترین
خرده و یا کلان
(یا):
اصلاً نه این نه آن -
سرمایه دارها!

اردیبهشت ۱۳۶۷
مه ۱۹۸۸

* در همین رابطه:
باور کنیم، فصل، ورق خورده ست!

www.ghoghnoos.org/honar/honarg/honar_g01/bavar.html